

# باید پشت درمی آمدم!



هیچ دانی دختر خیر البشر— از چه جای حیدر آمد پشت در  
گفت باید پیش امواج خطر یار بهر یار خود گردد سپر  
من که تنها دختر پیغمبرم پشت این در پیش مرگ حیدرم

فاطمه تنها طرفدار علیست

در هجوم دشمنان یار علیست

آن که باشد مرد این سنگر منم

اولین قربانی حیدر منم<sup>۲</sup>



## مقدمه:

مطالعه دقیق منابعی که از حوادث و رویدادهای پس از سقیفه بنی ساعده<sup>۳</sup> یاد کرده‌اند، ما را با حوادث ناگواری مواجه می‌سازد که یکی از آنها، تحقق قطعی و تردید ناپذیر «هجوم به خانه حضرت فاطمه (علیها السلام)» آن هم - دست کم - در دو نوبت مختلف که به ترتیب - از آنها با نام‌های «هجوم اول؛ هجوم منجر به شکست تحصن» و «هجوم اصلی (دوم)؛ هجوم منجر به وقوع آتش سوزی و ایراد ضرب و جرح به حضرت زهرا (علیها السلام)» یاد می‌شود.

## وقایع شاخص در هجوم اول:

اول: تحصن (اجتماع) تعدادی از مخالفان بیعت با ابوبکر (در خانه حضرت فاطمه علیها السلام) عبارت بودند از: حضرت علی علیه السلام، زبیر، سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و عباس.<sup>۵</sup> (مخاطب و هدف اصلی مهاجمان در هجوم اول، همه تحصن کنندگان و در رأس آنان زبیر بن عوام بود).

دوم: تهدید عمر به آتش زدن خانه حضرت فاطمه علیها السلام در صورت عدم خروج متحصنین از آن جا.<sup>۶</sup>

سوم: خروج متحصنان (به ویژه زبیر که شمشیر به دست داشت<sup>۷</sup>) از خانه حضرت زهرا علیها السلام.

چهارم: عدم خروج حضرت علی علیه السلام از خانه<sup>۸</sup>، به رغم خروج متحصنان.

به نقل از ابن ابی شیبه؛ پس از تهدید عمر، تحصن کنندگان نزد حضرت فاطمه علیها السلام گرد آمدند. آن حضرت فرمود: دیدید که عمر پیش من آمد و به خدا سوگند خورد که اگر نزد من باز گردید، خانه را بر سرتان به آتش می کشد. قسم به خدا او به آنچه

قسم خورده، عمل می کند «فَانصِرِ فَوَا رَاشِدِينَ»؛ پس به صلاح دید خود عمل کنید و نزد من باز نگردید [از ادامه تحصن دست بردارید] آن‌ها از وی فاصله گرفتند و نزدش باز نگشتند تا زمانی که با ابوبکر بیعت کردند.<sup>۹</sup>

اقدامات حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام پس از هجوم اول و غصب فدک:

۱. گریه کردن در فراق پدر (و به عنوان اعتراض به غاصبین) در خانه و بیت الاحزان<sup>۱۰</sup> و قبرستان احد<sup>۱۱</sup>؛ ۲. ارائه سند پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فدک<sup>۱۲</sup>؛ ۳. احتجاج مفصل حضرت فاطمه علیها السلام در مجلس ابوبکر و عمر<sup>۱۳</sup>؛ ۴. آوردن شاهدان بر ملکیت فدک و رد کردن آنها توسط عمر و پاسخ نهایی امیرالمؤمنین علیه السلام درباره شاهدان؛ ۵. احتجاج خصوصی حضرت فاطمه علیها السلام بر ابوبکر و گرفتن سند و پاره کردن آن توسط عمر<sup>۱۴</sup>؛ ۶. استنصار و یاری طلبیدن شبانه از مهاجرین و انصار<sup>۱۵</sup>؛ ۷. احتجاج مفصل امیرالمؤمنین علیه السلام با

ابوبکر و عمر در مسجد<sup>۱۶</sup>؛ ۸. خطابه حضرت فاطمه<sup>علیها السلام</sup> در مسجد<sup>۱۷</sup>؛ ۹. نامه امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> به ابوبکر درباره غصب فدک<sup>۱۸</sup>.

نکته: پس از احتجاج امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> در مسجد، غاصبین تصمیم بر قتل آن حضرت گرفتند که در اجرای آن ناکام ماندند.<sup>۱۹</sup>

غاصبین در مقابل این اقدامات تصمیم گرفتند برای اخذ بیعت از امیرالمؤمنین<sup>علیه السلام</sup> به خانه حضرت فاطمه<sup>علیها السلام</sup> هجوم بیاورند. بلاذری می نویسد: ابوبکر در زمانی که علی از بیت خودداری نمود، عمر را نزد وی فرستاده گفت: او را به سخت ترین وضع نزد من بیاورید؛ (إِئْتِنِي بِهِ بِأَعْنَفِ الْعُنْفِ).<sup>۲۰</sup>

### وقایع شاخص در هجوم دوم (هجوم اصلی)

اول: تنها بودن اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> و خالی بودن خانه حضرت فاطمه<sup>علیها السلام</sup> از یاران حضرت علی<sup>علیه السلام</sup>. (مخاطب و هدف اصلی مهاجمان در هجوم اصلی،

امیر المؤمنین علیه السلام بود).

دوم: بیرون کشاندن اجباری حضرت علی علیه السلام از خانه توسط مهاجمان و تهدید ایشان به قتل.<sup>۲۱</sup>

سوم: به آتش کشیدن درب خانه حضرت زهرا علیها السلام توسط مهاجمان.<sup>۲۲</sup>

چهارم: ایراد ضرب و جرح به حضرت زهرا علیها السلام توسط مهاجمان.<sup>۲۳</sup>

لازم به یادآوری است که هر چند شاخص‌های سوم و چهارم، از زمره مهم‌ترین رخدادهای «هجوم اصلی» به شمار می‌روند، اما در منابع اهل سنت، حذف و تحریف شده‌اند، به گونه‌ای که تنها ردّ پاهای کم‌رنگی از آن‌ها باقی مانده است. همچنین خاطر نشان می‌گردد که: وجود پاره‌ای حوادث مشترک میان هر دو هجوم (مانند تهدید به آتش زدن و ورود خشونت‌بار مهاجمان به داخل خانه، که در هر دو هجوم به وقوع پیوسته‌اند)، گاه «به طور طبیعی و ناخواسته و یا دانسته و مغرضانه» موجبات ادغام نقل‌های «هجوم اول» و «هجوم اصلی» در یکدیگر را فراهم آورده

است.

پس از این مقدمه - در هجوم اصلی به خانه حضرت فاطمه علیها السلام - در صورت حضور حضرت علی علیه السلام در خانه، چرا حضرت زهرا علیها السلام پشت درب آمدند؟

هر چند دلیل قطعی این موضوع را فقط خود معصوم می‌داند، و برای ما به طور حتم ثابت نیست، ولی برای پاسخ به این پرسش، با توجه به آیات و روایات، این گونه می‌توان گفت: که حضرت فاطمه علیها السلام به وظیفه و مأموریت خویش، به نحو احسن جامه عمل پوشاندند.

آیه اول: (النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)؛ پیامبر بر مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.

با توجه به این آیه، جان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن قدر با ارزش است که اگر در خطر بیفتد، سزاوار است همه مؤمنان، جان خود را فدای جان رسول خدا صلی الله علیه و آله کنند، چنان که سرباز جان بر کف ایشان یعنی امیر المؤمنین یعسوب الدین حضرت علی علیه السلام



بارها جان خود را فدای پیامبر ﷺ کردند که برجسته‌ترین آنها در ماجرای لیلۃ المبتیت<sup>۲۴</sup> و هنگام فرار مسلمانان در جنگ احد روی داد<sup>۲۵</sup> که حضرت علی (ع) تا سرحدّ جان، شجاعانه از جان رسول خدا ﷺ دفاع کرد و ...

سؤال: چه کسی پس از پیامبر خدا ﷺ نسبت به مؤمنان سزاوارتر است؟

آیات زیر، پاسخ این سوال را روشن‌تر بیان می‌کنند:

آیه<sup>۲۶</sup> دوم: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)<sup>۲۶</sup> ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

مرحوم علامه<sup>۲۷</sup> امینی رحمته الله در کتاب ارزشمند «الغدیر» نزول این آیه را در حق علی بن ابی طالب (ع) اعلام داشته و از شصت و شش منبع اهل سنت نقل کرده است از جمله کتاب‌های تفسیر: الدرّ المنثور سیوطی، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) فخررازی، تفسیر کشاف زنجیری و ...

با توجه به آیه ولایت، (إِنَّمَا) که از أدات حصر<sup>۲۷</sup> است، ولایت را فقط برای خدا،

رسول و حضرت علی علیه السلام اختصاص می دهد؛ بنابراین ولایتی را که خداوند برای رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داده، همان ولایت را برای حضرت علی علیه السلام اختصاص داده است.

آیه سوم: (فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ)؛<sup>۲۸</sup> پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده با تو ستیزه و جدل کند، بگو: «بیاید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما نفوسمان را و شما نفوستان را دعوت کنیم، سپس [به درگاه خدا] دعا و زاری کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم».

خداوند متعال در آیه مباحله، حضرت علی علیه السلام را به عنوان نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله معرفی کرده است.

قاضی ایجی در کتاب «مواقف» و جرجانی در شرح مواقف، تصریح کرده اند که این آیه، دلالت بر مساوات پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت علی علیه السلام در تمام مقامات و فضایل به جز نبوت دارد؛<sup>۲۹</sup> و این آیه بهترین دلیل بر علو شأن و مرتبه<sup>۳۰</sup> امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام

است.

نتیجه: حضرت علی علیه السلام که با توجه به آیهٔ مباهله، نفس و جان رسول خدا صلی الله علیه و آله است و به استناد آیهٔ ولایت، ولایت ایشان همان ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ بنابراین سزاوار است که جان ولی خدا یعنی حضرت علی علیه السلام مثل جان رسول خدا صلی الله علیه و آله در صورت به خطر افتادن توسط همهٔ مؤمنان حفظ شود و آنها جان خود را فدای جان امیرالمؤمنین علیه السلام کنند؛ در هنگام هجوم به بیت، تنها سرباز جان برکف ایشان، حضرت فاطمه علیها السلام بود که به این وظیفه و تکلیف الهی خود عمل کرد؛ زیرا تکلیف حضرت زهرا علیها السلام این بود که از مقام امامت و ولایت دفاع کند و بر آنچه او را ناراحت و خشمگین می سازد، صبر کند که به خوبی به این تکلیف جامهٔ عمل پوشاند.

روایت اول: عیسی بن استفاد می گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم آیا در آن وصیت [رسول خدا صلی الله علیه و آله] سخنی از غضب خلافت و پیشی گرفتن دیگران بر امیرمؤمنان علیه السلام به میان آمد؟ حضرت فرمود: آری، به خدا سوگند نکته به نکته رویدادها بیان شده بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام

فرمودند: آیا آنچه که شما را به انجام آن مأمور کردم، فهمیدید و پذیرفتید؟ آن دو فرمودند: «بَلَىٰ وَ صَبَرْنَا عَلَىٰ مَا سَاءْنَا وَ غَاظْنَا»؛ آری و بر آنچه ما را ناراحت و خشمگین می‌سازد، صبر می‌کنیم.<sup>۳</sup>

روایت دوم: [در حال احتضار] پیامبر خدا ﷺ سر بلند کرد و دست فاطمه (علیها السلام) را در دست امیر مؤمنان (علیه السلام) نهاد و فرمود: ... یا علی! هر آنچه فاطمه امر کند، به انجام رسان؛ جبرئیل دستوراتی آورده که من به او گفته‌ام!<sup>۴</sup>

از این رو، دلیل پرهیز امام علی (علیه السلام) از جهاد شهادت طلبانه، سرّ حمایت‌ها تا سرحدّ جان و دفاع خون‌بار حضرت فاطمه (علیها السلام) از امیر المؤمنین (علیه السلام) در هجوم اصلی به بیت، در این نکته کلیدی می‌توان یافت که «حفظ اسلام از خطر نابودی و ارتداد و بازگشت به قبل از اسلام» منوط به «حفظ جان حضرت علی (علیه السلام) بود»؛ هیچ‌کس مانند حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) این حقیقت قرآنی را نمی‌دانست و نمی‌توانست درک کند؛ از این رو وقتی متوجه وجود خطر برای مولای خویش از سوئی و وجوب حفظ جان ولی زمان به دلیل سزاواری بر جان همه مؤمنان از سوی دیگر شد، بر خود واجب دانست برای حفظ جان و نفس رسول خدا ﷺ یعنی

امیر المؤمنین حضرت علی (علیه السلام)، پشت در بیایند و اینچنین جان نثاری نمایند.

لازم به ذکر است که این مهاجمان بودند که با حکم خدا مخالفت کردند و این گونه پاره تن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را مورد ضرب و جرح و آزار و اذیت قرار دادند. همان کوثر قرآنی که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) درباره ایشان فرمودند: «فَإِنَّمَا هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي، يَرِيئِي مَا أَرَابَهَا وَيُؤْذِنِي مَا آذَاهَا»؛ همانا او [فاطمه] پاره تن من است، هر که او را پریشان خاطر کند مرا پریشان خاطر کرده و هر که او را بیازرد مرا آزرده است.<sup>۳۲</sup>

و قرآن درباره آزار دهندگان خدا و رسولش این گونه می فرماید: (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا)<sup>۳۳</sup>؛ بی گمان کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت<sup>۳۴</sup> کرده و برایشان عذابی خفّ آور آماده ساخته است.

از مصادیق آزار و اذیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در قرآن، این است که می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ

ذَلِكُمْ أَطَهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ  
 مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا<sup>۳۰</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، داخل  
 اتاق‌های پیامبر نشوید، مگر آن‌که برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود،  
 [آن‌هم] بی آنکه در انتظار پخته شدن آن باشید ولی هنگامی که دعوت شدید، داخل  
 گردید، و وقتی غذا خوردید، پراکنده شوید بی آنکه سرگرم سخنی گردید. این  
[رفتار] شما پیامبر را آزار می‌دهد و [لی] از شما شرم می‌دارد، و حال آنکه خدا از حق  
[گوئی] شرم نمی‌کند، و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان  
 بخواهید، این برای دلهای شما و دلهای آنان پاکیزه‌تر است، و شما حق ندارید رسول  
 خدا را برنجانید، و مطلقاً [نباید] زناش را پس از [مرگ] او به نکاح خود درآورید،  
 چرا که این [کار] نزد خدا همواره [گناهی] بزرگ است.

با توجه به این آیه، اهل انصاف و دقت، به دو سؤال زیر چه پاسخی می‌دهند:

۱. آیا مهاجمان در هنگام هجوم به خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) (که جزء بیوت النبی  
 است) اجازه گرفتند؟!

۲. در صورتی که از نظر قرآن سخن گفتن در منزل (محضر) رسول خدا (صلی الله علیه و آله)،

مصدق آزار و اذیت پیامبر ﷺ است، آیا آزار و اذیت پاره تن ایشان - حضرت

فاطمه (علیها السلام) - مصداق آزار و اذیت رسول خدا ﷺ نیست؟!

---

۱. اقتباس از کتاب درسنامه فاطمی، مجید جعفر پور.

۲. نخل میثم، ج ۲، ص ۱۴۹.

۳. سقیف ۵ مشهور در تاریخ، محل اجتماع قبیله خزرج از انصار مدینه بوده و رئیس آنان سعد بن عباده بوده است. پس از بیعت مردم با ابوبکر در سقیفه، حضرت علی (علیه السلام) آیات ۱-۴ سوره عنکبوت را قرائت کردند.

۲. حداقل هفده نفر از علماء و دانشمندان بزرگ اهل سنت، هجوم را در کتب خود نقل کرده‌اند از جمله: ابن قتیبه دینوری در الامامة والسیاسة، ج ۱، ص ۲۴؛ ابن عبد ربّه اندلسی؛ در العقد الفرید، ج ۴، ص ۲۵۰؛ ذهبی در تاریخ اسلام، ج ۳، ص ۱۱۷-۱۱۸.

۱. العقد الفرید، ابن عبد ربّه، ج ۴، ص ۲۴۲.

۲. المصنّف، ابن ابی شیبّه، ج ۷، ص ۴۳۳، رقم ۳۷۰۳۴؛ ابن ابی شیبّه استاد بخاری است!

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۱.

۴. الامامة و السياسة، ابن قتیبه دینوری، ج ۱، ص ۱۲.

۵. المصنّف، ابن ابی شیبّه، ج ۸، ص ۵۷۲، رقم ۴.

- 
۶. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۴-۱۸۰.
۷. بیت الاحزان، شیخ عباس قمی، ص ۲۲۷.
۸. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۳.
۱. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۳۴، ۱۹۴-۱۹۹، (اسرار آل محمد علیهم السلام)، سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۸۶۸.
۲. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۹۲، و ج ۴۸، ص ۱۵۷.
۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۶، ص ۲۸؛ الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۲. ۱۵.
۴. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۸۹-۱۹۵.
۵. اسنادی که تاکنون به دست ما رسیده و خطبه را به صورت کامل نقل کرده، بیست و سه سند است که این اسناد در بیست منبع مهم به دست آمده است؛ از جمله: بلاغات النساء ابن طیفور؛ دلائل الامامه، طبری شیعی؛ الاحتجاج، طبرسی و... .
۶. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۴۰، ح ۳۰.
۷. اسرار آل محمد علیهم السلام، ج ۲، ص ۸۷۱-۸۷۳؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰۶.
۸. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۷.
۱. انساب الاشراف، ص ۵۶۷.
۲. اسرار آل محمد علیهم السلام؛ (ترجمه کتاب سلیم بن قیس)، ص ۲۲۵-۲۳۱؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۶.



---

۳. در بعضی از روایات که از طریق اهل سنت از زبان حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده این گونه آمده است: «مبادا کسی [پس از مرگم] پوشش روی کتف مرا کنار بزند!!» الطبقات الکبری، ابن سعد، ج ۸، ص ۱۸، الاصابه، ابن حجر، ج ۸، ص ۵۸.

۲۴. سوره بقره، آیه ۲۰۷؛ ماجرای خوابیدن حضرت علی علیه السلام در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله در شب هجرت از مکه به مدینه.

۲۵. سوره آل عمران، آیه ۱۵۸.

۲۶. سوره مائده، آیه ۵۵، آیه ولایت.

۲۷. فخر رازی در تفسیر "مفاتیح الغیب"، ذیل آیه ۱۱۰، سوره کهف، اینها و آنها را از ادات حصر-می داند.

۲۸. سوره آل عمران، آیه ۶۱؛ آیه مباحله.

۲۹. شرح مواقف، ج ۸، ص ۳۶۸.

۳۰. کافی، ج ۱، ص ۲۸۱؛ الطرف، سیدبن طاووس، ص ۲۲-۲۴.

۳۱. الطرف، ص ۲۹-۳۰؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۸۴-۴۸۵.

۳۲. صحیح بخاری، کتاب فرض الخمس، باب (ما ذکر من درع النبی صلی الله علیه و آله)، رقم ۳۱۱۰؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب (ومن فضائل فاطمه)، ج ۴، ص ۱۹۰۲، رقم ۲۴۴۹.

۳۳. سوره احزاب، آیه ۵۷.

۳۴. لعن در ۳۸ آیه و ۴۱ مورد از آیات قرآن آمده است.

---

۳۵. سوره احزاب، آیه ۵۳.